



# همکاری‌های منطقه‌ای؛ راهکاری برای مسئله ریزگردها

دکتر مراد کاویانی‌راد\*

## اشاره:

افزایش گرمایش زمین به همراه دست‌اندازی فزاینده بشر در زیست بوم‌ها، تغییر آب و هوا در مقیاس جهانی و نابودی بنیادهای زیستی را در پی داشته است. در این میان، پدیده ریزگرد در جایگاه یکی از پیامدهای درهم‌تنیدگی موارد یادشده طی یک و نیم دهه گذشته زیان‌های کلان و فزاینده‌ای در حوزه‌های بهداشتی و اقتصادی متوجه جوامع مختلف به‌ویژه کشور ما کرده است به گونه‌ای که طی این مدت و همزمان با آغاز فصل گرما، پدیده ریزگرد به آرامی از غرب به شرق کشور می‌تازد و هیچ‌کس یا مجموعه‌ای نه پاسخ‌گو به آن است و نه یارای رویارویی با آن را دارد. پدیده‌ای که امسال نیز در واپسین روزهای بهار و آغازین روزهای تابستان دست کم پانزده استان کشور را درنوردید؛ دست‌اندرکاران هم گفته‌اند مردم با این پدیده کنار بیایند. بر بنیاد برآوردهای موجود نزدیک به ۷۵ درصد خاستگاه ریزگردها برون‌مرزی و بقیه درون‌مرزی است. در بخش برون‌مرزی، کشورهای اردن، عراق، سوریه و عربستان عمده خاستگاه‌های ورود ریزگرد به ایران هستند. کشورهای ایران به سر می‌برند. با این حال، با توجه به فزاینده‌ی دامنه تهدید امنیت زیست‌محیطی منطقه، پدیده ریزگرد به عنوان عنصر مشترک تهدیدکننده کشورهای یادشده، این توانایی را دارد که به شکل‌گیری یک سازه ژئوپلیتیکی برای همکاری‌های منطقه‌ای بیانجامد. نوشتار پیش رو، افزون بر واکاوای منابع ریزگردساز داخلی و خارجی به پیشنهاد یک سازه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای محیط زیست‌محور می‌پردازد.

## مقدمه

مفهوم امنیت نسبت به گذشته هم از منظر مقیاس و هم محتوا، تعریف گشوده‌تری یافته است. از منظر مقیاس، امنیت امروزه برابند درهم‌تنیدگی کنش‌گری و بازیگری، کنش‌گران و بازیگران گوناگون در مقیاس فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی

است و از منظر محتوایی نیز سویه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی یافته است. بر این پایه، امنیت ملی به گونه‌ای فزاینده ماهیت و کارکردی فراملی و فروملی پیدا کرده است و هیچ حکومتی بدون هماهنگی با دیگر کشورها توانش تأمین امنیت خود را به تنهایی ندارد یا ناگزیر به پرداخت هزینه‌هایی خواهد شد که بی‌گمان به نتیجه شایسته هم نخواهد

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی



انجامید. در این میان، بروز مخاطرات انسانی و طبیعی، تغییر در گفتمان‌ها، درون‌مایه و جهت‌گیری جستارهای سیاسی-امنیتی را در پی داشته است. پایان جنگ سرد آغازی بر طرح مفاهیمی نو در حوزه امنیت شد که بنیاد آن بر همکاری و تعامل میان واحدهای سیاسی استوار است.

نبود حاکمیت فراگیر دولت مرکزی در عراق، بر مناطق و کانون‌های ریزگردساز و از همه مهم‌تر اولویت مسائل امنیتی بر چالش‌های زیست محیطی، راهکاریابی مسئله را دشوار کرده است. این در حالی است که عراق با ۱۳ میلیون هکتار کانون تولید گرد و غبار، اصلی‌ترین خاستگاه آلوده‌ساز استان‌های غربی کشور به‌ویژه خوزستان، ایلام و کرمانشاه است.

طرح مفاهیم امنیت انسانی، امنیت زیست محیطی و غیره با توجه به نقش ویران‌گرانه انسان در زیست کره و پیامدهای فضایی آن در قالب بحران‌های اجتماعی-سیاسی، توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود معطوف کرده است. پیامدهای عمدتاً ناخوشایند برخاسته از فروسایی محیطی، گرمایش کروی و تغییر اقلیم، اثرات دیرپا و ناگواری در حوزه معیشت و امنیت پایدار افراد و جوامع در سراسر زیست کره به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه داشته است. از این رو، را نمی‌توان کانون مطالعات امنیتی و ژئوپلیتیکی دانست بلکه امنیت انسانی فراتر از مرزهای سیاسی، در قالب درهم‌تنیدگی مقیاس‌ها (فروملی، فراملی، منطقه‌ای و جهانی) محور پژوهش و کانون توجه قلمروداران (حاکمان و کارگزاران) و سمن‌ها (سازمانهای مردم نهاد) محیط زیست محور، قرار گرفته است. داده‌ها و یافته‌های موجود گویای آن هستند که طی چند دهه اخیر متأثر از دست‌اندازی سازمان یافته در منابع آبی، بسیاری از پهناب‌های داخلی در قالب رودها، مرداب‌ها و دریاچه‌ها خشکیده‌اند و افزایش گرمایش زمین و گسترش تغییر اقلیم به فزاینده‌گی خشکسالی در مناطق خشک جهان

انجامیده است. این مناطق دست کم طی این مدت در قالب کانون‌های ریزگردساز فعال شده و هر ساله گستره بیشتری از کشورها را پوشش می‌دهند. در این میان، جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا وضعیت نامساعدی را نشان می‌دهد. امروزه، کشورهای شمال آفریقای پیرامون صحرای بزرگ؛ عربستان، اردن، سوریه، عراق از کانون‌های اصلی ریزگردساز منطقه به شمار می‌روند. با توجه به جهت‌گیری، شرقی-غربی بیشتر بادهای ورودی به ایران، نفوذ این ریزگردها، هر ساله در کشور ما گستره بیشتری را پوشش می‌دهد. بر این پایه، ریزگرد چالش امنیت زیست محیطی همه کشورهای منطقه است و هیچ‌یک به تنهایی توان رویارویی با این پدیده را ندارند. از دیگر سو نیز هموردی‌های قلمروخواهانه به‌ویژه میان ایران و عربستان به کم‌رنگ شدن زمینه‌های همکاری در این باره انجامیده است. این در حالی است که مسئله یادشده در کشور ما دست‌مایه هموردی و کشمکش جریانهای سیاسی شده است. واقعیت آن است که پدیده یادشده بیش از آنکه سرشتی سیاسی داشته باشد، پدیده‌ای جغرافیایی-سیاسی است. از این رو، بررسی و واکاوی آن رویکردی ژئوپلیتیکی در سه مقیاس فروملی، ملی و فراملی طلب می‌کند.

### ریزگرد

ریزگرد مجموعه‌ای از ذرات گرد و غبار (با قطر کمتر از ۵ میکرون) و خاک خشک معلق در قالب سیلت، رس و گاه شن ریز است که آلودگی هوا، کاهش دید افقی و تهدید سلامت انسانها به‌ویژه بیماران تنفسی را در پی دارد و بیشتر هنگام خشکی

بیماید. کارشناسان پیامدهای ریزگرد را در قالب کاهش دید و لغو پرواز هواپیماها، مشکلات تنفسی (آسم و التهاب ریه)، شکنندگی زیست‌بوم‌ها، تغییر چرخه‌های زیستی، نابودی پوشش گیاهی، کاهش کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی، تعطیلی ادارات و مدارس، کاهش منابع آب (نابودی منابع آب)، آشفته‌سازی سیگنال‌های تلویزیونی و عملکرد نیروگاه‌های برق، افزایش شمار مراجعات به درمانگاه‌ها به دلیل مشکلات تنفسی، کوچ ساکنان، تهی شدن روستاها و غیره برشمردند. یافته‌های موجود گویای آن است که ذرات یادشده از نظر شیمیایی از فعال‌ترین بخش‌های شیمیایی خاک به شمار می‌روند، به همین دلیل می‌توانند در منطقه برداشت (خاستگاه) انواع مواد شیمیایی و آلی را جذب کنند و پس از فرسنگ‌ها در منطقه نشست بر جای گذارند؛ وضعیتی که حساسیت موضوع را دو چندان می‌کند. به دیگر سخن، خطراتی که از نظر آلودگی در محل برداشت یا خاستگاه وجود دارد، به منطقه نشست آورده می‌شود که این وضعیت افزون بر مشکلاتی است که تنفس این ریزگردها به وجود می‌آورد.

### ریزگردهای ایران

ویژگی‌های آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی ایران، این کشور را جزو سرزمین‌های خشک و نیمه خشک جهان قرار داده است. این موقعیت از نظر طول و عرض جغرافیایی با کمربند بیابانی جهان هماهنگ است به گونه‌ای که گستره بیابان‌های ایران نزدیک به ۴۵۰ هزار کیلومتر مربع برآورد شده است. طی چند سال اخیر پدیده ریزگرد، زندگی و زیست ساکنان ۱۷ استان کشور را برآشفته ساخته است. کارشناسان دو خاستگاه درون و برون‌مرزی برای ریزگردهای ایران را شناسایی کرده‌اند. خاستگاه این گرد و غبارها به بخش‌هایی از عراق، سوریه، عربستان، خوزستان، شرق کشور و پهنه‌های ساحلی خشک‌شده جازموریان بازمی‌گردد. با این حال، آمارهای ناهمگونی درباره درصد اثرگذاری این دو مقیاس در آلوده‌سازی هوای ایران مطرح شده است. درباره مقیاس فروملی وجود مناطق بیابانی گسترده به همراه دگرگونی اقلیم، کاهش بارش و خشکسالی‌های درازمدت، تغییر کاربری اراضی، کاهش چشمگیر رستنی‌ها و نابودی پوشش گیاهی، مدیریت ناکارآمد منابع آب، خشکیدن پهناب‌های داخلی (رودها، دریاچه‌ها و غیره)، برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی و تراز منفی دشت‌های کشور

هوا و فصول گرم نمود می‌یابد. درباره پیدایش ریزگرد و خاستگاه آن، زمینه‌ها و عوامل متعددی را برشمردند که تقریباً فصل مشترک همه آنها گرمایش زمین، دگرگونی‌های اقلیمی، تغییر الگوی بارش، بی‌توجهی به توسعه پایدار به‌ویژه در قالب مدیریت نادرست آب، تغییر جهت مسیر رودها در قالب سدسازی و انتقال میان حوضه‌ای آب رودها، ویرانی زیستگاه‌ها، جنگل‌زدایی، بیابان‌زایی و گسترش کویرها بوده است. پدیده‌ای که در کشورهای واقع بر کمربند خشک گیتی نمود فزاینده‌تری داشته به گونه‌ای که کمبود بارش و تبخیر بالا شناسه‌های بنیادی آب و هوای چنین کشورهایی است. به صورت مشخص در سطح زمین چند کمربند عمده بیابانی وجود دارد که مهم‌ترین آنها در نیم کره شمالی از کرانه اقیانوس اطلس در غرب آفریقا تا نزدیک چین در قالب صحرای بزرگ آفریقا، بیابان عربستان، بیابان لوت ایران، بیابان ترکستان و بیابان گبی کشیده شده است؛ قلمرویی که کمربند گرد و غبار جهانی نیز نامیده می‌شود. بر این پایه، کشور ما در میانه کمربند خشک جهان قرار دارد و وضعیت آب و هوایی آن به شدت از ویژگی‌های موقعیتی‌اش متأثر است. در این مناطق فرسایش خاک پدیده طبیعی است اما طی چند دهه اخیر برآمده از عواملی که پیش‌تر به آنها اشاره شد، فرسایش خاک یعنی فرسایش بادی فزاینده‌تری یافته است که ریزگرد یکی از پیامدهای آن به شمار می‌رود. ذرات ریزگرد به دلیل سبکی در صورت فراهم‌بودن اوضاع جوی و وزشی، گاه فرسنگ‌ها در هوا معلق مانده و می‌تواند صدها کیلومتر راه

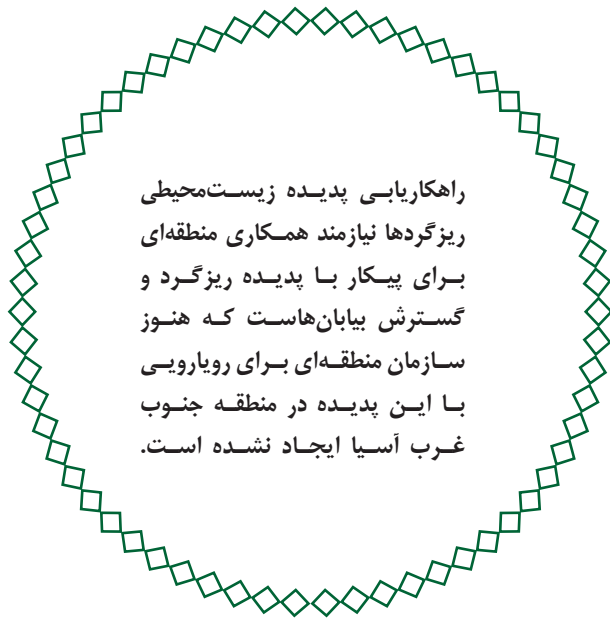
و نیز افت نم خاک مناطق مرطوب، بنیادی‌ترین عوامل و زمینه‌های پیدایش کانون‌های ریزگردساز به شمار می‌آیند. به گونه مشخص ۱۱ کانون بزرگ تولید ریزگرد در کشور وجود دارد که پنج کانون در استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان واقع است. در این میان، حوزه هامون جازموریان به تنهایی خاستگاه حدود یک چهارم این گرد و غبارها به شمار می‌رود و بیابان‌های منطقه «زابل و بیرجند» و «کاشان و نطنز» نیز به ترتیب ۱۳ و ۱۰ درصد از مجموع ریزگردها را تشکیل می‌دهند. در جنوب غربی کشور به‌ویژه استان خوزستان، وجود زمین‌های کشاورزی رها شده، تالاب‌های خشکیده، مراتع تخریب‌شده، نابودی پوشش گیاهی، شیوه مدیریت منابع آبی و خشکسالی، ساخت سدهای متعدد عامل اصلی پیدایش چشمه‌های تولید ریزگرد هستند. بر بنیاد برخی برآوردها پهنه ساحلی جنوب کشور، ۱۶ درصد گرد و غبار جهان را تولید می‌کند. در مقیاس فراملی نیز منطقه میان رودان (بین‌النهرین) در قالب ۱۳ منطقه در عراق، جنوب سوریه و شمال شبه‌جزیره عربستان و قلمروی دریای سرخ در قالب ۱۳ منطقه در مصر، شمال شرقی سودان و شمال غربی شبه‌جزیره عربستان از مناطق اصلی خاستگاه گرد و غبار در جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا هستند. مناطقی که در غرب و جنوب غربی ایران و در مسیر وزش بادهای غالب کشورمان قرار دارند و به ریزگردهای عربی شناخته می‌شوند. در این میان، کشورهای عراق و سوریه برخاسته از خشکیدن باتلاق‌های داخلی، تغییر آب و هوا در شمال آفریقا و غرب آسیا، کاهش بارندگی و افزایش دما، نادرستی الگوی مصرف آب و کشمکش و جنگ در منطقه که به رهاسازی نواحی کشاورزی، بی‌ثباتی ناشی از فرایند دوران گذار و ناامنی برخاسته از جنگ با داعش، از اصلی‌ترین خاستگاه‌های تولید ریزگرد برون‌مرزی و آلاینده هوای کشورمان به شمار می‌آیند.

### خاستگاه‌های ریزگرد منطقه‌ای

همانگونه که اشاره شد طی سال‌های اخیر برخاسته از عواملی مانند خشکسالی، افزایش دما و گرمایش زمین، کشمکش و جنگ، بر اندازه و گستره ریزگردهای جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا افزوده شده است. در این میان، کشورهای عراق، سوریه، عربستان و مصر نقش و نمود بیشتری در پیدایش چشمه‌های تولید گرد و غبار عربی داشته‌اند. در این میان، کشور ترکیه سال‌هاست که با اجرای طرح گاپ و ساخت سدهای کلان، ورود آب به سوریه

و عراق را به شدت کاسته که این کنش نقش مهمی در افت فراینده منابع آب دجله و فرات داشته است به گونه‌ای که امروزه عراق بیش از هشت میلیون هکتار کانون گرد و غبار دارد. دولت عراق نیز در زمان صدام با کانال‌کشی و انتقال آب رود دجله باعث شده بود آب این رود به شدت فروبکاهد؛ در نتیجه این کاهش شماری از تالاب‌های منطقه خشکیده و بیابان‌های آن گسترش فراوانی داشته است. از دیگر سو، عربستان که در اندیشه خود کفایی در تولید گندم بود به برداشت آب‌های فسیلی از ژرفای هزارمتری پرداخت که پس از مدتی با ته کشیدن منابع آب، این خواست بلندپروازانه یا به سخنی رساتر ماجراجویانه برآورده نشد اما پیامدهای ناگواری در قالب اُفت آبخوان‌ها یا سفره‌های آب زیرزمینی این کشور و تشدید بیابان‌زایی بر جای گذارد، به گونه‌ای که با کمترین وزش باد، غبار بزرگ و بلندی برمی‌خیزد که حتی تا نواحی مرکزی ایران نیز پیش می‌آید. اگرچه این کشور امروزه نزدیک به یازده میلیون هکتار کانون گرد و غبار دارد، اما عربستان و دیگر کشورهای شمال آفریقا تا کنون در پیکار با این پدیده زیست‌محیطی گام‌های جدی برداشته‌اند. همکاری ایران با عراق نیز برای رویارویی با این پدیده نتیجه شایسته‌ای به دنبال نداشته است به‌ویژه آنکه این کشور درگیر بحران‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی برخاسته از کاهش بهای جهانی نفت بوده و در دو سال گذشته نیز بیش از یک سوم خاک عراق توسط گروه تروریستی داعش اشغال شده بود که نبود حاکمیت فراگیر دولت مرکزی این کشور بر مناطق و کانون‌های ریزگردساز و از همه

امنیت زیست‌محیطی به‌ویژه در حوزه ریزگرد آسیب‌پذیر هستند و به تنهایی نیز از پس از این تهدید بر نمی‌آیند. در این منطقه بحران ریزگردها می‌تواند برای امنیت زیست‌محیطی کشورهای موجود در مقیاس ملی و فراملی تهدید تلقی شود که رفع آن نیازمند همکاری همه کشورهای منطقه است.



بر این پایه دیپلماسی زیست‌محیطی می‌تواند زمینه تشکیل یک سازه یا سازمان ژئوپلیتیکی منطقه‌ای شود که چه بسا در آینده، بنیاد همکاری در دیگر حوزه‌ها نیز قرار بگیرد. به نظر می‌رسد که بایستگی چنین سازه‌ای در آغاز از سوی جمهوری اسلامی ایران جریان‌سازی شده است. کوشش‌های دولت یازدهم در مقیاس فراملی به صدور قطعنامه مقابله با گرد و غبار در مجمع عمومی ملل متحد و تکلیف دبیرکل برای تهیه گزارش از وضعیت جهان و نیز قطعنامه وزیران محیط زیست کشورها برای تنظیم اقدامات و ایجاد ساز و کار مالی برای رویارویی با این پدیده انجامید. در مقیاس منطقه‌ای نیز، همکاری سه کشور عراق، ایران و عربستان در قالب سازمانی منطقه‌ای برای پیکار با این پدیده بایسته‌ای‌ترین‌ناپذیر است. سازمانی که در نهایت در چهارچوب یک سازه ژئوپلیتیکی باید سربر آورد. در مرحله سازه ژئوپلیتیکی کوشش‌های توجیهی و دیپلماتیک، رایزنی‌ها و هم‌اندیشی‌های توسعه‌یافته و نوعی خودآگاهی منطقه‌ای برای ضرورت توسعه و

مهم‌تر اولویت مسائل امنیتی بر چالش‌های زیست‌محیطی، راهکارهایی مسئله را دشوار کرده است. این در حالی است که عراق با ۱۳ میلیون هکتار کانون تولید گرد و غبار، اصلی‌ترین خاستگاه آلوده‌ساز استان‌های غربی کشور به‌ویژه خوزستان، ایلام و کرمانشاه است.

### سازه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ریزگرد محور

بر بنیاد یافته‌های پیش‌گفته، کشورهای جنوب غربی آسیا همگی کمابیش در معرض تهدید ناامنی زیست‌محیطی برخاسته از ریزگرد هستند. عنصر تهدید مشترک در بیشتر موارد، زمینه همبستگی و همگرایی واحدهای سیاسی-فضایی است که به تنهایی از پس عامل تهدید بر نمی‌آیند زیرا نتیجه شایسته به دست نخواهد آمد و هزینه رویارویی نیز بسیار کلان خواهد بود. داده‌های موجود نشان می‌دهند که منطقه جنوب غربی آسیا به واسطه تنوع فرهنگی در حوزه‌های زبانی، مذهبی، وجود علایق ژئوپلیتیکی متفاوت، وجود منابع هیدروکربنی، مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای، کشمکش و قلمروگستری ایدئولوژیک کشورهای منطقه‌ای و غیره دست کم طی چهار دهه اخیر نتوانسته‌اند به یک سازمان منطقه‌ای کارآمد دست یابند و اساساً عوامل و زمینه‌های واگرایی بیش از همگرایی بوده است. وضعیتی که کشورهای منطقه را به پرداخت هزینه‌های کلان مالی برای تأمین امنیت و فراهم کردن جنگ‌افزار واداشته است. داده‌های به دست آمده نشان می‌دهند که کشورهای منطقه همگی در برابر تهدید

همکاری متقابل و برقراری صلح و امنیت در منطقه شکل می‌گیرد که در صورت غلبه نهایی نیروهای همگرا بر نیروهای واگرا، سازمان منطقه‌ای برپا می‌شود. این در حالی است که راهکاریابی پدیده زیست‌محیطی ریزگردها نیازمند همکاری منطقه‌ای برای پیکار با پدیده ریزگرد و گسترش بیابان‌هاست که هنوز سازمان منطقه‌ای برای رویارویی با این پدیده در منطقه جنوب غرب آسیا ایجاد نشده است.

### نتیجه‌گیری

طی یک و نیم دهه اخیر برخاسته از دگرگونی‌های اقلیمی، خشکسالی‌های پایپی، تغییر الگوی بارش، ناکارآمدی مدیریت جاری منابع آب، افت سطح آب آبخوان‌ها، تغییر مسیر رودها، نابودی رستنی‌ها و غیره محیط زیست و توانش‌های بوم‌شناسی بسیاری از جوامع به‌ویژه کشورهای خشک و نیمه‌خشک به شدت شکننده شده و هزینه‌های کلان جانی و مالی بر این کشورها که بیشتر نیز فقیر هستند، تحمیل کرده است. منطقه جنوب غرب آسیا برخاسته از عوامل برشمرده، تازشگاه ریزگردهایی بوده که امنیت زیست‌محیطی آنها را به چالش کشانده است. در این میان، امنیت زیست‌محیطی کشور ما به واسطه موقعیت جغرافیایی بر روی کمربند خشک جهان، ناکارآمدی مدیریت منابع آب، نابودی پوشش‌های گیاهی و انتقال میان حوضه‌ای و تغییر الگوی بارش در دو مقیاس فروملی و فراملی به شدت آسیب‌پذیر شده است. به دیگر سخن، کانون‌های ریزگردساز درون و برون‌مرزی هر ساله با آغاز فصل گرم فعال شده و گستره پهناوری از کشور را پوشش می‌دهند. به گونه‌ای که در کشور ما نزدیک به سه میلیون هکتار کانون تولید گرد و غبار وجود دارد. بر بنیاد برخی برآوردها پهنه ساحلی جنوب کشور ۱۶ درصد گرد و غبار جهان را تولید می‌کند و کارهای انجام‌شده نیز برای پیکار با ریزگرد کامیاب نبوده یا دست کم تا کنون به نتیجه شایسته نینجامیده است. بر بنیاد برآوردهای موجود بخش بنیادی ریزگردهای آلوده‌ساز هوای کشور که با آغاز فصل گرما شروع می‌شود، خاستگاه برون‌مرزی به‌ویژه در کشورهای عراق، سوریه و عربستان دارد که در این میان، کشور عراق طی دو دهه گذشته به علل ویرانی محیط زیست در جنوب و غرب کشور، کاهش اندازه آب ورودی دجله و فرات،

تداوم بی‌ثباتی و جنگ با داعش، بیشترین نقش را در تولید ریزگرد و آلودن هوای شهرهای ایران به‌ویژه استان‌های ایلام، کرمانشاه و خوزستان را داشته است. با توجه به وضعیت موجود، هرگونه برنامه‌ریزی در حوزه محیط زیست در این کشور ماهیت تجملی و ناواقعی خواهد داشت. از این رو تا این کشور درگیر بی‌ثباتی داخلی و افت بهای نفت است، نمی‌توان به بهبود محیط زیست این کشور امید داشت. سوریه نیز وضعیتی بهتر از عراق ندارد. عربستان هم تا کنون تمایلی برای همراهی با ایران برای مقابله با ریزگرد نداشته است. موضوعی که بیشتر برخاسته از رویکرد ایدئولوژیک این کشور نسبت به جمهوری اسلامی ایران است؛ اما واقعیت آن است که هزینه‌ای که ناامنی زیست‌محیطی بر این کشورها تحمیل می‌کند در عرصه عمل آشکارتر و به صورت مستقیم و نامستقیم بسیار کلان است. از این رو، وضعیت موجود پایدار نخواهد بود و کشورهای جنوب غربی آسیا به‌ویژه کشورهای یاد شده ناگزیر از تغییر رویکرد موجود و پرداختن به امنیت زیست‌محیطی خود هستند. وضعیتی که به تنهایی ناتوان از مدیریت آن بوده و راهکاریابی آن نیازمند دیپلماسی زیست‌محیطی و ایجاد یک سازمان همکاری‌های منطقه‌ای است که ایران می‌تواند پیشگام آن باشد.

